

سید محمدتقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقریب‌گرا

عزالدین رضائزاد *

مقدمه:

تقریب مذاهب اسلامی نه یک شعار بلکه یک واقعیت اجتماعی - سیاسی و علمی است که اندیشمندان دلسوز مسلمان بر ضرورت آن تأکید می‌کنند. یکی از معاصران پیشگام تقریب آیت‌الله سید محمدتقی حکیم است که از دریچه تحلیل و پژوهش علمی، مسئله تقریب مذاهب اسلامی را پی‌گیری کرده و با ارائه راه‌حل‌های علمی، گامی مؤثر در این مسیر برداشته است. آنچه که در پی می‌آید، معرفی اجمالی این دانشمند فرزانه و تبیین بخشی از کار علمی اوست که در کتاب «اصول الفقه المقارن» آمده است. بدیهی است در صورتی که اندیشمندان مسلمان با رویکرد علمی - پژوهشی به این مسئله بپردازند، نتایج مثبت و ارزنده‌ای نصیب مسلمانان خواهد شد و گامی مؤثر در تقریب مذاهب اسلامی برداشته می‌شود.

ولادت و وفات

سید محمدتقی حکیم در سال ۱۹۲۱ میلادی در نجف اشرف (عراق) در خانواده‌ای مذهبی و اهل علم و فضل چشم به جهان گشود و پس از سپری شدن ۸۱ بهار از عمر شریفش که عمده آن صرف تحصیل، تحقیق و تألیف به همراه تقوا، ورع و عبادت شد، در صبحدم شانزدهم ماه صفر ۱۴۲۳ هجری قمری مطابق با ۳۰ نisan ۲۰۰۲ میلادی به دیار باقی شتافت.

تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی را تحت اشراف پدر بزرگوارش سید سعید حکیم (متوفای ۱۳۹۵ هجری قمری) و بزرگان خانواده‌اش گذراند و دروس علوم عربی، منطق، بلاغت، اصول فقه، فلسفه و تاریخ

* استادیار، مدرس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

را نزد اساتید بزرگواری همانند: برادرش سید محمدحسین حکیم (متوفای ۱۴۱۰ ه.ق.)، شیخ نورالدین جزائری، سید صادق سید یاسین، و شیخ علی ثامر، سید یوسف حکیم (متوفای ۱۴۱۱ ه.ق.)، سید حسن حکیم (متوفای ۱۳۹۴ ه.ق.)، سید محمدعلی حکیم، شیخ محمدرضا مظفر و سید موسی جسانی فرا گرفت.

درس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام سید محسن حکیم (متوفای ۱۳۹۰ ه.ق.)، سید ابوالقاسم خوئی (متوفای ۱۴۱۳ ه.ق.)، شیخ حسین حلی (متوفای ۱۳۹۵ ه.ق.) و سید میرزا حسن بجنوردی (متوفای ۱۳۹۵ ه.ق.) و فلسفه را نزد شیخ محمدرضا مظفر و سید میرزا حسن بجنوردی فرا گرفت.

تدریس

وی طی سالیانی چند، به تدریس سطوح عالی فقه و اصول برای طلاب حوزه علمیه نجف اشرف پرداخت. مباحث فقهی را بر اساس متن مکاسب شیخ مرتضی انصاری و اصول فقه را بر اساس متن کفایة الاصول شیخ محمدکاظم خراسانی در دروس خارج فقه و اصول ارائه می‌داد. از ویژگی دیگر علمی سید محمدتقی حکیم، تدریس علم اصول فقه مقارن برای طلاب بحث خارج بوده است که آرای ائمه مذاهب اربعه را ذکر می‌کرد و برخی از دانش‌پژوهان آن را تقریر کرده‌اند. هم‌چنین علم قواعد فقهی را از سال ۱۳۸۸ ه.ق. برای مدت چند سال تدریس می‌کرده است. وی به همراه عده‌ای از بزرگان «جمعیه منتدی النشر» را تأسیس کرد که بیش از یک ربع قرن به فعالیت پرداخت. و از سال ۱۹۴۴ میلادی در دانشکده آن (کلیه منتدی النشر) به تدریس نحو، صرف، بلاغت، ادبیات، تاریخ، فقه و اصول، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرداخت. وی علاوه بر عضویت در تأسیس «المجمع الثقافی لمنتدی النشر» در سال ۱۹۴۳ میلادی، در تأسیس دانشکده فقه «کلیه الفقه» در سال ۱۹۸۵ میلادی مشارکت داشت و موضوعات گوناگونی را در آنجا تدریس کرد. وی، برای بیش از پنج سال مسئولیت دانشکده فقه را بر عهده گرفت و از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ میلادی اصول فقه مقارن را در بخش «معهد الدراسات الإسلامیة العلیا» در دانشگاه بغداد تدریس کرد و در سال ۱۹۶۴ میلادی درجه استادی را از دانشگاه بغداد دریافت نمود و در همین سال به عضویت «المجمع العلمی العراقی» درآمد. وی از آن پس، در کنفرانس‌های متعدد علمی داخل و خارج کشور عراق شرکت جست و به عضویت چند مجمع علمی مصر، سوریه و اردن درآمد.

تالیفات

آثار علمی سید محمدتقی حکیم که در موضوعات مختلف تألیف شده است به سه بخش تقسیم می‌شود؛ برخی به صورت کتاب نشر یافته است، برخی هم‌چنان مخطوط است و به زیور طبع

آراسته نشده و برخی دیگر به صورت مقالات و نیز مقدمه بر کتاب‌های دیگران نگاشته و نشر یافته است.

کتاب‌های چاپ شده وی عبارت است از:

۱. مالک الاشر؛ ۲. شاعر العقیده (السید الحمیری)؛ ۳. الاصول العامة للفقہ المقارن؛ ۴. الزواج المؤقت و دوره فی حل مشکلات الجنس؛ ۵. فکرة التقرب بين المذاهب؛ ۶. مناهج البحث فی التاريخ؛ ۷. تاريخ التشريع الاسلامی؛ ۸. من تجارب الاصوليين فی المجالات اللغوية؛ ۹. عبدالله بن عباس... حياته و سيرته، شخصيته و آثاره. (<http://www.14masom.com>)

تحقق تقریب با تحقیقات علمی

از ویژگی بارز سید محمدتقی حکیم در موضوع تقریب مذاهب اسلامی، انجام پژوهش‌های علمی و ارایه نظرات و آرای متفکران مذاهب گوناگون و تحلیل جامع از آنها است. پس از چاپ و نشر کتاب «الاصول العامة للفقہ المقارن» در سال ۱۳۸۳ ه. ق در بیروت، دانشگاه بغداد با تشکیل هیئتی از اساتید، به بررسی این کتاب پرداخت و آن را به عنوان رساله دکتری برگزید و بر اساس آن مدرک دکتری افتخاری - بدون نیاز به برگزاری جلسه دفاعیه - به وی اعطا کرد و او را به عنوان استاد در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد انتخاب نمود.

نگاه علمی به مسئله تقریب، بر اساس آنچه که در کتاب اصول فقہ مقارن آقای حکیم آمده، دریچه‌ای است که این طلایه‌دار تقریب گشوده است. از اصول و قواعدی که وی در راه تحقق تقریب در این کتاب به کار گرفته، می‌توان به مبانی تقریب تعبیر کرد، که اجمال آن چنین است:

الف) از اهداف تدوین کتاب اصول فقہ مقارن تقریب بخش اختلافات میان مسلمانان و تبیین تأثیر عوامل تفرقه‌انداز است که از مهم‌ترین و قوی‌ترین آنها جهل عالمان برخی از مذاهب نسبت به قواعد و ضوابط مذاهب دیگر است و از طریق همین موضوع است که تبلیغات مغرضانه دشمنان در بد نام کردن برخی نزد برخی دیگر تأثیرگذار است و سبب می‌شود که به سخنان یک‌دیگر آن‌گونه که هست دست پیدا نکنند و یک‌دیگر را به داشتن عقاید و آرای باطل متهم کنند.

ب) تحلیل و پژوهش درباره عوامل اختلاف فقهی که آیا در تبیین صغریات اموری همانند حجیت ظهور قرآن و سنت یا حجیت قیاس نقش دارد یا این‌که اختلاف در نتایج بحث و به عبارت دیگر اصول فقہ است، کاری بود که مرحوم حکیم در تنگ کردن دامنه اختلاف و تقریب بین مذاهب فقهی انجام داد. همان‌گونه که یکی دیگر از منابع اختلاف نتایج مباحث فقهی، اختلاف در ترتیب ادله و کیفیت مراجعه به آن است. مرحوم حکیم پس از بحث درباره دو اصطلاح ویژه

فقه امامی، یعنی اصطلاح ورود و حکومت، بر اساس آن، ترتیب ادله را به شکل زیر بیان نمود:

۱. ادله اماراتی (ادلة الواقع)؛

۲. ادله‌ای که واقع‌نمایی دارد، مثل استصحاب؛

۳. ادله وظیفه شرعی؛

۴. ادله وظیفه عقلی.

در دیدگاه ایشان هرگاه مسئله ترتیب مراجعه به ادله مورد ملاحظه قرار گیرد، نتایج مباحث فقهی تا حد زیادی نزدیک به یکدیگر خواهد بود و از این طریق بخشی از اختلافات مذاهب اسلامی رفع می‌گردد.

۳. طرح مسئله تحریف قرآن، که شبهه آن از سوی مذاهب اسلامی متوجه مذاهب امامیه است یکی دیگر از مبانی تقریب مرحوم حکیم است. وی بر استدلال به قرآن کریم از سوی امت اسلامی تأکید نموده و می‌گوید مذهب امامیه همانند سایر مذاهب بر این اصل تأکید کرده و اصولاً هر روایتی را که با قرآن کریم معارض باشد طرد می‌کند. با وجود چنین دیدگاهی است که همه مذاهب اسلامی باید بر اصل رجوع و استدلال به قرآن اهتمام داشته باشند و به این وسیله به تقریب آرا و نظراتشان دست یابند. روایات ضعیف و شادی که در کتاب‌های فریقین نسبت به تحریف قرآن وجود دارد، ضمن ناسازگاری با آیه ۹ سوره حجر «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» با روایات دیگری که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، هم معارض است و علمای مذاهب (از جمله عالمان شیعی در طول تاریخ اسلام) به همین قرآن موجود استناد و استدلال می‌کردند.

پس می‌توان از این زاویه به تقریب مذاهب پرداخت و با زدودن شبهه تحریف و متهم نکردن یکدیگر به آن، گامی مؤثر در وحدت مسلمین برداشت.

۴. برخی یکی از موانع تقریب را اخذ به سنت اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند و می‌پندارند طرح آن در برابر سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان یک منبع دیگر برای فهم دین نتایجی را به دنبال خواهد داشت که به طور طبیعی اختلافات را زیاد خواهد کرد. مرحوم حکیم با تأکید بر اخذ به سنت اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها آن را مانع وحدت ندانسته بلکه آن را بر اساس آیات قرآن، مانند آیه تطهیر، و روایات نبوی، مانند روایت ثقلین که به تواتر در مصادر روایی فریقین آمده، از عوامل وحدت و در راستای سنت نبوی دانسته است. به عبارت دیگر، سنت نبوی ما را و ما را می‌دارد که سنت اهل بیت عصمت و طهارت را اخذ کنیم و هرگاه مسئله به این صورت باشد، یکی از مبادی اختلاف از بین رفته، روح وحدت زنده خواهد شد.

۵. تحلیل و پژوهش پیرامون اصول و قواعدی که مورد اختلاف است، مانند: قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سد الذرایع و غیره زمینهٔ تقریب را فراهم می‌سازد و این نکته را آشکار می‌کند که چنین اصولی آن گونه که برخی می‌پندارند، آن قدر وسیع نیست که مذاهب اسلامی را از یکدیگر دور سازد و اختلاف در آن، گاهی لفظی است و می‌توان با تحلیل مشترک، به بخشی از آن بسنده کرد. مرحوم حکیم با ارایه تحلیلی قابل قبول نسبت به برداشت از اصول مذکور، سعی در ایجاد تقریب نموده و وجود این قواعد اصولی را مانع اصلی وحدت ندانسته است. برای مطالعه مجموعهٔ این مسایل می‌توان به کتاب «اصول الفقه المقارن» مراجعه نمود.

